

The Impact of Popular Acceptance in Legitimizing Governance from the Perspective of Mīrzā Nāʿīnī*

Rajabali Esfandiari¹ 

Mahdieh Moradian² 

1. Assistant Professor, Department of Political Philosophy, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
Email: r.esfandiari@isca.ac.ir

2. Seminary student (Level Three) and Master's student in Religions and Mysticism, Farabi
Campus, University of Tehran, Qom, Iran (corresponding author).
Email: moradian1159@gmail.com



Abstract

In Shiite political philosophy, the legitimacy of governance fundamentally depends on divine appointment. However, since the will and opinion of the people can influence the legitimacy of a government, examining the role of popular acceptance in conferring legitimacy has historically held significance within Shiite beliefs, as it sheds light on the relationship of Shiite political philosophy with concepts like democracy. This article, using a descriptive-analytical method and library sources, explores the influence of popular acceptance in establishing and maintaining governmental legitimacy from the perspective of Mīrzā Nāʿīnī. The article seeks to support the claim that, according to Nāʿīnī, popular consent does not play a role in the initial establishment of legitimacy for governance; however, after a government is formed, public consent becomes essential for its continuation. In Nāʿīnī's view, an ineffective government results in

* Esfandiari, R.; Moradian, M. (2023). The Impact of Popular Acceptance in Legitimizing Governance from the Perspective of Mīrzā Nāʿīnī. *Journal of Political Science*, 27(105), pp. 178-203.
<https://doi.org/10.22081/psq.2024.66629.2790>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

*** Type of article:** Research Article

 **Received:** 2023/11/06 •  **Revised:** 2023/12/25 •  **Accepted:** 2024/02/29 •  **Published online:** 2024/03/25

© The Authors



greater oppression of the people, whereas the primary endeavor of jurists during the occultation of the Imam (may God hasten his reappearance) has been to eliminate or mitigate oppression upon the people. In Nāʿīnī's **theory of guardianship, governance is not the ruler's personal possession** but a trust placed with the ruler. Thus, Nāʿīnī does not see popular acceptance as a factor in establishing legitimacy, as he considers a parliamentary assembly legitimate only if it includes jurists with general appointment or those authorized by them. Nāʿīnī bases governance during the occultation on the permission and endorsement of jurists who themselves hold general appointment. Balancing divine appointment (divine legitimacy) enacted by jurists with the role and rights of the people, Nāʿīnī advocates consulting the wise among the community. In his view, popular acceptance plays a role in the continuity of governance legitimacy, as he recognizes consultation and oversight over the parliamentary assembly as a public right. Since Nāʿīnī ties the authorization of parliamentary representatives to certain conditions, which the public should monitor, it can be inferred that public dissatisfaction signals a lack of these conditions, leading to the revocation of permission and consequently the fall of legitimacy, thus reflecting the impact of popular acceptance on the continuity of governance legitimacy. **Nāʿīnī's efforts to emphasize governance as a trust and to advocate for the dismissal of a ruler unable to uphold it reflect the influence of the people's will and opinion in actualizing governance.**

Keywords

Legitimacy, Popular Acceptance, Mīrzā Nāʿīnī, Islamic Governance.



تأثیر مقبولیت مردمی در مشروعیت بخشیدن به حکومت از منظر میرزای نایینی*

رجبعلی اسفندیار^۱ مهدیه مرادیان^۲

۱. استادیار، گروه فلسفه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

r.esfandiar@isca.ac.ir

۲. طلبة سطح سه و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

moradian1159@gmail.com

چکیده

در فلسفه سیاسی شیعه به صورت کلی، مشروعیت حکومت بر انتصاب الهی متوقف است؛ اما با توجه به اینکه تأثیر خواست و نظر مردم در مشروعیت یافتن یک حکومت می تواند نشانگر جایگاه مردم در آن حکومت باشد، بررسی تأثیر مقبولیت مردمی در مشروعیت بخشیدن به حکومت در باورهای شیعی، در دوران های مختلف دارای اهمیت بوده و می تواند نشانگر نسبت فلسفه سیاسی شیعه با مفاهیمی همچون مردم سالاری باشد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی تأثیر مقبولیت مردمی در جعل مشروعیت برای حکومت و تداوم آن از نظر میرزای نایینی پرداخته است. این مقاله در پی اثبات این مدعاست که در نگاه نایینی رضایت مردم در مرحله تشکیل حکومت، نقش مشروعیت بخشی ندارد؛ ولی پس از تشکیل حکومت، برای تداوم آن نیازمند رضایت مردم است. از نگاه نایینی حکومت ناکارآمد، موجبات ظلم بیشتر بر مردم را فراهم می کند، حال آنکه تمام تلاش فقها در عصر غیبت امام عصر^{علیه السلام}، برطرف کردن ظلم یا کاستن ظلم از مردم بوده است. در حکومت ولایتیه

* **استناد به این مقاله:** اسفندیار، رجبعلی؛ مرادیان، مهدیه. (۱۴۰۲). تأثیر مقبولیت مردمی در مشروعیت بخشیدن به حکومت از منظر میرزای نایینی. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۱۷۸-۲۰۳.

<https://Doi.org/10.22081/psq.2024.66629.2790>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم^{علیه السلام} قم، ایران؛ © نویسندهگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶



نایینی، حکومت ملک شخصی حاکم نیست و به عنوان امانتی نزد حاکم قرار گرفته است؛ از این رو میرزای نایینی مقبولیت مردمی را در جعل مشروعیت برای حکومت مؤثر نمی‌داند؛ زیرا برپایی مجلس شورا را در صورتی مشروع می‌داند که این مجلس شامل تعدادی از فقها که برخوردار از انتصاب عام هستند، یا افراد مأذون از جانب فقها باشد. دلیل این امر آن است که نایینی حکومت در عصر غیبت را بر إذن و تأیید فقیهان متوقف می‌داند که آنان نیز برخوردار از نصب عام هستند. نایینی در جمع بین انتصاب الهی (مشروعیت الهی) که از طرف فقیهان انجام می‌شود و نقش و حق مردم، لزوم مشورت با عقلای امت را مطرح می‌کند. در نگاه او مقبولیت مردمی در تداوم مشروعیت حکومت مؤثر است؛ زیرا وی مورد مشورت قرار گرفتن و نظارت بر مجلس شورا را حق عموم مردم می‌داند. با توجه به اینکه نایینی صدور اذن دخالت در امور سیاسی برای نمایندگان مجلس شورا را منوط به وجود شرایطی در آنان می‌داند که مردم باید برخوردار از آنان از این شرایط را رصد کنند. می‌توان گفت که نارضایتی مردم از دولت به معنای فقدان شرایط پیش‌گفته و سقوط اذن و در پی آن سقوط مشروعیت حکومت و به معنای تأثیر مقبولیت مردمی در تداوم مشروعیت حکومت است. تلاش نایینی در اثبات امانت بودن حکومت در دست حاکمان و تأکید بر خلع حاکم از مسؤلیت نگهداری از این امانت در صورت ناتوانی، بیانگر تأثیر خواست و نظر مردم در فعلیت بخشیدن به حاکمیت است.

کلیدواژه‌ها

مشروعیت، مقبولیت مردمی، میرزای نایینی، حاکمیت اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در حوزه فلسفه سیاسی، مقبولیت مردمی و پذیرفتنی بودن حکومت برای مردم در مشروعیت حکومت مؤثر است؛ زیرا وجود توجیه عقلانی برای اعمال قدرت را به همراه دارد. در این نگاه که در جنبش فرهنگی عصر مدرن زاده شد، حاکمیت منشأ انسانی یافت و تنها حاکمیت ذاتی انسانی، دارای مشروعیت و اصالت شد. بعدها این نوع از حاکمیت در بسیاری از جوامع پذیرفته شد و در حال حاضر مطلوب‌ترین شکل حکومت در نظر گرفته می‌شود. از همین زمان، مفهوم «دموکراسی» یا مردم‌سالاری به معنای حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خودشان، جایگاه ویژه‌ای در فلسفه سیاسی یافت. در اندیشه سیاسی شیعه، اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش پذیرفته می‌شود، اما با خوانشی دیگر. حاکمیت در اندیشه سیاسی شیعه بر یک دوگانه مشروعیت استوار است که رابطه طولی با هم دارند: یکی حاکمیت الهی و دیگری حاکمیت مردمی که در طول حاکمیت الهی است. در قرآن از یک سو به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی اشاره می‌شود و از سوی دیگر همو انسان را جانشین خود قرار می‌دهد و بر اساس این اراده الهی، انسان بر سرنوشت خویش حاکم می‌گردد؛ بدین ترتیب هم از انتصاب می‌گوید و هم از انتخاب؛ هم از نصب شایستگان توسط خداوند و لزوم اطاعت از آنان می‌گوید و هم از امکان انتخاب تعیین مسیر زندگی و نحوه اداره امور زیستی توسط آدمیان می‌گوید: «إما شاکراً و إما کفوراً».

با توجه به لزوم انتصاب الهی برای مشروعیت یافتن یک حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، مؤلفه مقبولیت مردمی در مشروعیت یافتن حکومت در باورهای شیعی، چه جایگاهی خواهد داشت؟ این پرسش خاستگاه جدل‌های بی‌شماری بوده است و عالمان و اندیشمندان زیادی کوشیده‌اند تا پاسخی درخور بدان دهند؛ زیرا میزان توجه به این مؤلفه در یک حکومت می‌تواند نشانگر جایگاه مردم در آن حکومت باشد؛ همچنین می‌تواند مبانی فلسفه سیاسی شیعه و نسبت آن با مفاهیمی همچون مردم‌سالاری و مشارکت مردم در حکومت را تعیین کند. انقلاب مشروطه در ایران سرآغاز تحول در اندیشه سیاسی شیعه در این خصوص است. انقلاب مشروطه ایران که در صدد تغییر

مرجع قدرت در این کشور و اعطای حق دخالت در حکومت به مردم بود، به دلیل نقش عالمان و فقیهان شیعه در این انقلاب، جایگاه مناسبی برای بررسی تأثیر این مؤلفه در مشروعیت حکومت است.

کتاب‌ها و مقالات متعددی در خصوص اندیشه سیاسی علمی شیعه در عصر مشروطیت و نیز جایگاه مردم در نظام سیاسی دینی نوشته شده است. تمایز مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین در پرداختن به مفهوم مقبولیت مردمی و تأثیر این مؤلفه بر مشروعیت حکومت به صورت مجزا و با دسته‌بندی متفاوت است. در این مقاله با مراجعه به آثار میرزای نایینی و توجه به زمینه‌ها و شرایط سیاسی اجتماعی عصر مشروطه، تأثیر مقبولیت مردمی در مشروعیت بخشیدن به حکومت را با توجه به اندیشه‌های سیاسی میرزای نایینی، در قالب سه بخش بررسی حاکمیت مشروع از نظر نایینی، تأثیر مقبولیت مردمی در جعل مشروعیت برای حکومت و تأثیر این مؤلفه در تداوم مشروعیت حکومت بررسی و تحلیل می‌کند. هدف از این پژوهش، آشکارسازی مبانی فلسفه سیاسی شیعه در دوران مشروطه و جایگاه مردم در اندیشه سیاسی شیعه جهت تقویت مبانی نظری حکومت اسلامی است.

۱. مفهوم‌شناسی

بررسی میزان تأثیر مقبولیت مردمی در مشروعیت بخشیدن به حکومت از منظر میرزای نایینی که یکی از فقهای شیعه است، در ابتدا نیازمند آشنایی با برخی مفاهیم کلیدی همچون «مشروعیت»، «مقبولیت» و «حکومت»، به‌ویژه در فلسفه سیاسی شیعه و نیز بررسی عوامل مؤثر در مشروعیت یافتن یک حکومت در تاریخ اندیشه سیاسی شیعه است.

۱-۱. مشروعیت

مشروعیت معادل فارسی برای واژه «legitimacy» به معنای حقانیت و قانونی بودن نهاده شده است (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۴، ص. ۲۷۹)؛ بر این اساس برخی این واژه را معادل

نامناسبی برای این واژه لاتین می‌دانند؛ زیرا مشروعیت مبنایی قدسی و الهی دارد؛ حال آنکه «legitimacy» مبنایی عرفی دارد (امینی، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۳). واژه «legitimacy» در غرب شامل مشروعیت و مقبولیت توأمان می‌شود و انتخاب مشروعیت به عنوان معادل آن در فارسی چندان دقیق نیست. به هر حال مقصود ما از مشروعیت در این مقاله، جنبه حقانیت و قانونی و شرعی بودن حکومت است.

در اصطلاح فلسفه سیاسی، مشروعیت به معنای توجیه عقلانی برای اعمال قدرت توسط حاکم است و ناظر به مجوز حاکم برای اعمال قدرت و حقانیت حکومت اوست (فاضلی، ۱۳۹۰، ص. ۹۵)؛ بر این اساس مشروعیت، یک فرمان حکومتی را به فرمانی الزامی تبدیل می‌کند و با اتکا به منبع مشروعیت، حاکمان از شهروندان خود اطاعت طلب می‌کنند (امینی، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۴).

منبع مشروعیت حکومت در اندیشه مسلمانان، در دو حیطه اندیشه سیاسی سنی و شیعی بررسی می‌گردد. در اندیشه سیاسی سنی، منبع مشروعیت حاکمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، الهی دانسته می‌شود و آیات قرآن کریم نیز سند این باور است؛ اما در خصوص جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل سنت منبع مشروعیت حکومت را انتخاب شدن حاکم توسط اهل حل و عقد، شورا و یا خلیفه پیشین می‌دانند. در سده‌های بعدی، استیلا و وراثت نیز به روش‌های مشروعیت یافتن حکومت و ضرورت بخشیدن به اطاعت از حاکم اضافه شده است (امینی، ۱۴۰۰، صص. ۱۵۶ - ۱۶۳). اما شیعیان عامل مشروعیت بخش به حاکمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان ایشان را هم نصب الهی می‌دانند؛ بر این اساس امامت استمرار نبوت است و مسئولیت ولایت عامه و تدبیر شئون مسلمانان و اقامه عدل در میان آنان پس از پیامبر، بر عهده امام است و امام نیز توسط خداوند انتخاب شده و بانص صریح پیامبر یا امام منصوب قبلی به مردم معرفی می‌گردد و هرگز امکان انتخاب امام و جانشین رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای مردم وجود ندارد (مظفر، ۱۳۸۰، صص. ۱۰۸ - ۱۰۹).

فقیهان شیعه در زمینه عامل مشروعیت بخش به حکومت در زمان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دو نظریه سلطنت مسلمان ذی شوکت و نظریه سلطنت مآذون از فقیه جامع الشرایط

را مطرح کرده‌اند. بنا بر دیدگاه اول، پادشاه مسلمانی که به ظواهر شریعت پایبند باشد، می‌تواند در کنار عالمان دین، حافظ اسلام در برابر تسلط بیگانگان باشد (آجدانی، ۱۳۹۱، ص. ۸).

میرزای قمی، یکی از فقیهان قرن دوازدهم و سیزدهم هجری، با اینکه در رسائل خود با استناد به «مقبوله عمر بن حنظله» مسئولیت تصمیم‌گیری در مورد جزیه را به فقیهان سپرده و آنان را در زمان غیبت، نائب امام دانسته است، اما این ولایت را به تمکن مشروط کرده و تصریح کرده است در صورت عدم امکان اعمال ولایت برای فقیهان، امامان علیهم‌السلام اجازه مماشات با حاکمان جور را نیز به ما داده‌اند و حصول اذن از جانب فقیهان برای تصرف در این امور در حق آنان ممکن است (میرزای قمی، ۱۴۲۷ق، صص. ۲۵۸ - ۲۵۹)؛ همچنین او در ارشادنامه نخست به تشریح دلیل ملقب‌ساختن پادشاهان به صفت «ظل الله» پرداخته و در ادامه به توضیح ذاتی بودن تفاوت پادشاهان با رعایا و انتساب این امر به خواست خداوند به دلیل استحقاق یا امتحان اشاره کرده و در آخر سلطان را به رفتار عادلانه با مردم تشویق کرده است (قاضی طباطبایی، ۱۳۴۷، صص. ۳۷۱ - ۳۸۰).

شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء نیز در زمان غیبت، فقیهان را نائب امام زمان علیه‌السلام دانسته و بر لزوم تبعیت از آنان تأکید کرده و مخالفت با فقیهان را مخالفت با امام عنوان کرده است؛ همچنین او برای فتحعلی‌شاه قاجار در دفاع از اسلام و مسلمانان و اداره لشکر اذن صادر کرده و اطاعت از پادشاه را در این موارد به دلیل مأذون بودن او از جانب فقیه جامع الشرایط، برای مردم لازم دانسته است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، صص. ۲۴ - ۲۶).

دیدگاه دیگر در خصوص حاکمیت مشروع در زمان غیبت، حکومت فقیه جامع الشرایط است که ملا احمد نراقی در عوائد الایام تشریح کرده است؛ بر اساس این دیدگاه و با استناد به روایات ذکر شده در این کتاب، فقیهان شیعه در امور عامه نائب و جانشین امام هستند و اطاعت از آنان برای مردم واجب است و حکومت در زمان غیبت برای آنان مشروعیت می‌یابد (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۲۹).

۱-۲. مقبولیت مردمی

در حوزه فلسفه سیاسی مقبولیت مردمی حکومت، به معنای پذیرفتنی بودن حکومت برای مردم و برخورداری یک حکومت از رضایت مردمی است. در فلسفه سیاسی غرب مقبولیت یک حکومت، عامل مشروعیت آن دانسته می‌شود؛ اما در فلسفه سیاسی شیعه، چون مشروعیت حکومت به برخورداری از انتصاب الهی وابسته است، مقبولیت مردمی عامل فعلیت‌بخش به حکومت و باعث افزایش کارایی و کارآمدی آن است (فاضلی، ۱۳۹۰، صص. ۲۲-۲۳).

در فلسفه سیاسی غرب تفاوت چندانی میان مفاهیم مقبولیت و مشروعیت وجود ندارد و هر دو به معنای قانونی بودن و مورد پذیرش مردم بودن است؛ اما در فلسفه سیاسی شیعه خاستگاه مشروعیت، الهی است و مقبولیت تنها در افزایش کارآمدی نظامی که دارای مشروعیت الهی است، مؤثر است (سخاوتی، ۱۳۸۱).

۱-۳. حکومت

معنای واژه حکومت در فرهنگ اصطلاحات سیاسی، فرمان‌روایی و سلطنت است و به هیئت حاکم بر یک کشور نیز واژه حکومت صدق می‌کند (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۱۰۰۹). میرزای نایینی در تنبیه الامه و تنزیه الملّه، واژه حکومت و حاکمیت را هم‌معنا با سلطنت به کار برده و آن را در دو نوع «تملیکیه» و «ولایتیه» محصور می‌داند؛ حکومت تملیکیه از نظر او حکومتی است که بر مبنای مالکیت حاکم بر مردم و سرزمین تحت حکومتش شکل گرفته باشد. در این نوع از حکومت، حاکم مردم را برده و ملک شخصی خود دانسته، آنان را فاقد هرگونه حقوقی در نظر می‌گیرد و هرطور که بخواهد با آنان برخورد می‌کند و خود را به پاسخگویی هیچ‌کسی ملزم نمی‌داند؛ اما نوع دوم حکومت بر مبنای امانت‌بودن منصب حاکمیت در دست حاکم ایجاد شده است و تصرفات حاکم به وظایف او مبنی بر اداره نظام‌های داخلی کشور و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر مملکت محدود است (نایینی، ۱۴۲۴ق، صص. ۴۰-۴۳).

۲. حاکمیت مشروع در اندیشه میرزای نایینی

میرزای نایینی هدف از تشکیل حکومت را حفظ نظامات داخلی مملکت و تربیت نوع و رساندن هر صاحب حقی به حق خود و همچنین محافظت کشور از دخالت بیگانگان و دفاع از کشور در برابر حملات آنان می‌داند و در ادامه عنوان می‌کند که این هدف در اصطلاح مسلمانان «حفظ بیضه اسلام» و در اصطلاح دیگر کشورها حفظ وطن خوانده می‌شود (نایینی، بی تا، ص. ۷).

او که حاکمیت را در دو نوع «تملیکه» و «ولایتیه» منحصر می‌داند، مبنای نوع اول را برتری ذاتی حاکم بر مردم اعلام می‌کند که او را مجاز به تسخیر کامل آنان و اجرای خواست و نظرات شخصی خود در همه مراتب و شئون می‌سازد. این نوع از حاکمیت، مردم را همچون حیوانات و جمادات تحت سلطه کامل حاکم قرار می‌دهد و هیچ‌گونه حقی برای آنان در اجتماع قائل نیست. در مقابل مبنای نوع دوم حاکمیت، ولایت یافتن حاکم به منظور اقامه وظایفی مشخص و اجرای اهداف یادشده از تشکیل حکومت است. در این نوع از حاکمیت، حکومت ملک شخصی حاکم نیست و به عنوان امانتی نزد اوست؛ پس میزان تسلط حاکم نیز به همان وظایف محدود است و حکومت او چه بر حق باشد و چه غاصبانه، به عدم تجاوز از آن حدود مشروط خواهد بود (نایینی، بی تا، ص. ۸-۱۱).

میرزای نایینی که نوع دوم حکومت را مشروع می‌داند در پی اثبات این مطلب است که حاکمیت معصومین علیهم‌السلام در اندیشه سیاسی شیعه نیز همان نوع ولایتیه است. او در خصوص نوع دوم حکومت می‌نویسد:

چون حقیقت این قسم از سلطنت چنانچه دانستی از باب ولایت و امانت و مانند سایر اقسام ولایات و امانات به عدم تعدی و تفریط متقوم و محدود است، پس لامحاله حافظ این حقیقت و مانع از تبدلش به مالکیت مطلقه... مانند سایر اقسام ولایات و امانات به همان محاسبه و مراقبه و مسئولیت کامله منحصر [است]. بالاترین وسیله‌ای که از برای حفظ این حقیقت و منع از تبدل و ادای این

امانت... متصور تواند بود، همان عصمتی است که اصول مذهب ما طائفه امامیه

بر اعتبارش در ولیّ نوعی، مبتنی است (نایینی، بی تا، ص. ۱۲).

بر این اساس او نیز همچون دیگر فقیهان شیعه، حاکمیت مشروع را حاکمیت معصوم می داند؛ اما در زمان غیبت و به تعبیر تنبیه الامّه و تنزیه الملّه، «با دسترسی نبودن به آن دامان مبارک»، تفصیل دیگری دارد. با توجه به اینکه در این زمان به ندرت سلطانی یافت می شود که هم خود جامع کمالات باشد و هم مشاوران متخصص و دانشمند و ناظران درستکار و خیرخواه که مانع از زیر پا گذاشتن حقوق مردم توسط حکومت شوند، برای مشورت در امور خود انتخاب کند، صورتی مجازی از حاکمیت ولایتیه ممکن است که تنها با وضع قوانینی که به محدود کردن اختیارات حاکم و مشخص کردن مصالح مردم پرداخته باشد و همچنین با گماشتن هیئت ناظری از عاقلان و دانایان کشور که خیرخواه ملت بوده و به حقوق بین الملل و سیاست عصر هم آگاه باشند (نایینی، بی تا، صص. ۱۳-۱۵). این راهکار نایینی تحت تأثیر انقلاب مشروطه و شرایط سیاسی اجتماعی عصر مشروطه است و تنها برای دفع ظلم از مردم است.

او فرض «مغضوبیت» را برای چنین حکومتی در نظر گرفته و یادآور شده است که تدوین قانون و گماشتن هیئت ناظر حتی در صورتی که این حکومت نصب الهی نداشته باشد و طبق باور شیعیان غاصب مقام امامان علیهم السلام باشد، هم می تواند جانشین قوه عصمت شود و سایه و صورتی مجازی از حکومت ولایتیه و مشروع در اندیشه سیاسی شیعه را به فعلیت برساند (نایینی، بی تا، ص. ۱۳). نایینی حکومت مشروطه را تبدیل سه ظلم و سه غضب به یک ظلم می داند؛ با این توضیح که وی معتقد است در حکومت استبدادی سه ظلم محقق می شود؛ ظلم به خداوند و غضب مقام خدایی توسط سلطانی که خود را همچون خداوند «فاعل مایشاء» می داند؛ ظلم به امام معصوم که حق حاکمیت او توسط فرد غیر معصوم غضب شده است و ظلم به مردمی که تحت چنین حکومتی هیچ گونه حق و اختیاری نداشته و حتی مالک اموال شخصی خود نیز نیستند. اما با تبدیل حکومت استبدادی به مشروطه، وضع قوانین باعث محدود کردن قدرت سلطان و مانع اعمال نظر شخصی او در همه مراتب و شئون و حاکمیت مطلق او بر مردم می شود و از غضب مقام

خداوندی توسط سلطان جلوگیری می‌کند؛ همچنین وضع قوانین و در نظر گرفتن حق انتخاب ناظران بر حکومت برای مردم از ظلم به مردم می‌کاهد و آنان را از مرتبه بردگی سلطان به افراد صاحب حقی می‌رساند که حکومت را به عنوان امانتی در اختیار سلطان می‌گذارند؛ اما همچنان ظلم به امام معصوم باقی است؛ زیرا فردی غیر معصوم در رأس حکومت قرار گرفته و حق حاکمیت معصوم را غصب کرده است (نایینی، بی تا، ص. ۴۷).

با اینکه نایینی فرض مغضوبیت را برای چنین حکومتی در نظر می‌گیرد، در ادامه به تشریح عامل مشروعیت بخش به این نوع از حکومت در اندیشه سیاسی شیعه و سنی می‌پردازد. او هیئت ناظر را مصداقی از «اهل حلّ و عقد» در اندیشه سیاسی سنی می‌داند و تصریح می‌کند: «مشروعیت نظارت هیئت منتخبه معوثان، بنابر اصول اهل سنت و جماعت که اختیارات اهل حلّ و عقد امت را در این امور متبّع دانسته‌اند، به نفس انتخاب ملت متحقق [است] و متوقف بر امر دیگری نخواهد بود» (نایینی، بی تا، ص. ۱۵)؛ بر این اساس او خواست و نظر مردم در انتخاب هیئت ناظر بر حکومت را عامل مشروعیت بخش به نظارت هیئت منتخب بر امور سیاسی در اندیشه سیاسی سنی اعلام می‌کند؛ بدین ترتیب به باور او در زمان غیبت «امور نوعیه» و سیاست امور امت از وظایف نواب عام حضرت مهدی علیه السلام است و اشمال هیئت منتخبه بر تعدادی از مجتهدان یا افراد مأذون از جانب مجتهدان برای مشروعیت یافتن دخالت هیئت ناظر در امور حکومتی کافی است.

بنابراین ایشان امور سیاسی را نیز از جمله «امور حسبیه» معرفی می‌کند که اداره اجتماع وابسته به آن است و مسئولیت تدبیر آن در زمان غیبت به عهده مجتهدان و نواب عام است؛ اما نیازی نیست که مجتهدان به صورت مستقیم به اداره این امور بپردازند؛ بلکه تدبیر این امور برای افرادی که از جانب مجتهدان اذن دخالت در این امور را داشته باشند نیز مشروع است. حتی در صورت ناتوانی مجتهدان از انجام دادن امور حسبیه، مسئولیت تدبیر این امور ساقط نشده و وظیفه اداره این امور به افراد عادل منتقل می‌شود (رفیع و عباسزاده مرزبالی، ۱۳۹۴، صص. ۸۹ - ۹۰).

در نتیجه نایب‌السلطنه مشروطه را از نوع حکومت‌های ولایتیه تعبیر می‌کند که با فرض فقدان حکومت معصوم علیه‌السلام و ناتوانی فقیه عادل در اداره امور حاکمیت می‌یابد. برداشت عالمان موافق مشروطه از حکومت مشروطه بر محدودیت قدرت به عنوان جوهره حکومت قرار دارد و آنها همواره در پی تحدید قدرت سلطان در جامعه بوده‌اند. در مقابل شیخ فضل‌الله نوری با چنین برداشتی از مشروطه مخالف است و به‌طور کلی مشروطه را مخالف اسلام معرفی می‌کند: «حاصل المرام این است که شبهه و ربیبی نماند که قانون مشروطه با دین اسلام حضرت خیر الانام علیه الآلاف التحیته والسلام منافی است و ممکن نیست که مملکت اسلامی در تحت قانون مشروطگی بیاید، مگر به رفع ید از اسلام» (ترکمان، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۱۱۴).

۳. مقبولیت مردمی و جعل مشروعیت برای حکومت

میرزای نایب‌السلطنه مشروعیّت حکومت در زمان غیبت را متوقف بر اذن و تأیید فقیهان می‌داند که مطابق نظر او برخوردار از نصب عام هستند؛ اما حق مردم را نیز نادیده نگرفته است و با استناد به سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام در اثبات حق نظارت برای مردم، حتی در حاکمیت معصوم هم می‌کوشد. می‌توان گفت او موفق شده است وجه جمع بین انتصاب الهی حاکم و نقش و حق مردم در حکومت را تبیین کند (ورعی، ۱۳۸۲، ص. ۴۶). از نظر نایب‌السلطنه حقیقت حکومت اسلامی، ولایت بر سیاست امور امت و محدود به حدود امانت و مصلحت و آزادی و مساوات است و با توجه به «مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت»، یعنی امور عمومی و سیاسی، لزوم مشورت با عقلای ملت، یعنی «مجلس شورای عمومی ملی»، از مسلمات اسلام است (نایب‌السلطنه، بی‌تا، صص. ۸۳-۸۷). او تصریح دارد ولایت امانتی اجتماعی است در صرف قوای مملکت در مصارف مملکت. اندازه استیلائی فرمانروا یا ولی به مقدار ولایت یادشده محدود و تصرف او مشروط و وی در برابر ملت مسئول است (نایب‌السلطنه، بی‌تا، صص. ۴۴-۴۵).

تلاش او در اثبات امانت بودن حکومت در دست حاکم در اندیشه اسلامی و تأکید بر خلع حاکم از مسئولیت نگهداری از این امانت در صورت ناتوانی در حفاظت از آن،

نشانگر تأثیر خواست و نظر مردم در فعلیت یافتن حاکمیت مشروع است. او هدف اصلی از برپایی حکومت را حفظ نظم کشور و تربیت نوع و رسیدگی به امور مردم می‌داند؛ در نتیجه سلطنت را چه با اغتصاب باشد و چه مشروع، امانت‌داری و انجام وظایف مرتبط با اداره کشور تعریف می‌کند (نایینی، بی‌تا، ص. ۴۳). تبیین این مطلب که صاحب این امانت خداست یا مردم و چه کسی این امانت را به دست حاکم سپرده است، می‌تواند مشخص‌کننده تأثیر مقبولیت مردمی در جعل مشروعیت برای حکومت باشد.

میرزای نایینی به هنگام تشریح دو نوع حکومت تملیک‌یه و ولایتیه، حقیقت نوع دوم حکومت را «ولایت بر اقامه وظایف درباره نظم و حفظ مملکت و نه مالکیت» می‌داند و تصریح می‌کند که حکومت در نوع دوم «امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت که قوای نوع است در این مصارف و نه در شهوات خود»؛ پس ناگزیر «اندازه استیلای سلطان به مقدار ولایت بر امور مذکوره محدود [است] و تصرفش چه به حق باشد و چه با اغتصاب، به عدم تجاوز از آن مشروط خواهد بود» (نایینی، بی‌تا، ص. ۱۱). از طرفی می‌توان «امانت نوعیه» را به معنای امانتی از جانب مردم در دست حاکم دانست؛ زیرا او در ادامه، حاکم را «در قیام به وظیفه امانت‌داری خود، مسئول [در برابر] ملت» معرفی می‌کند و حق سؤال، اعتراض و مؤاخذه را برای مردم محفوظ می‌داند (نایینی، بی‌تا، ص. ۱۲).

قوة عصمت که حافظ حکومت ولایتیه است و مانع تبدیل شدن این حکومت به حکومت تملیک‌یه می‌باشد، همان ملکه‌ای نفسانی است که تنها خداوند قادر به تعیین وجود چنین صفتی در یک انسان است؛ بنابراین طبق اصول شیعه، تنها خداوند می‌تواند فرد دارای صلاحیت برعهده گرفتن این امانت را مشخص کند و مشروعیت حکومت بر انتصاب الهی متوقف است. مردم تنها می‌توانند به حاکمیت فرد منصوب از جانب خداوند فعلیت ببخشند؛ همچنین او با تعریف حقیقت سلطنت به ولایت بر حفظ و نظم، تصریح می‌کند که حکومت «به نصب الهی که مالک حقیقی و ولی بالذات و معطی ولایات است، موقوف» می‌باشد (نایینی، بی‌تا، ص. ۴۳)؛ همان‌گونه که روشن است نقش مردم در حکومت از نگاه نایینی، فعلیت بخشیدن به حکومت و نظارت است.

میرزای نایینی حاکمیت مشروع در اندیشه شیعه را متوقف بر انتصاب الهی می‌داند و

در زمان غیبت تدبیر امور سیاسی را از وظایف فقیهان می‌داند که طبق نظر او برخوردار از انتصاب عام هستند. در این جایگاه او وضعیت موجود را در نظر گرفته، عدم امکان اداره امور برای فقیهان را در آن شرایط یادآور شده و تصریح کرده است که این عدم امکان باعث سقوط تکلیف نخواهد شد و باید تا حد امکان سلطان غاصب را مهار کرد و اختیارات او را محدود کرد (ورعی، ۱۳۸۲، صص. ۴۲ - ۴۵).

او حکومت را به ملک وقف‌شده‌ای تشبیه کرده است که توسط فردی غصب شده است و از نظر شرعی و عقلی ضروری است که تا حد امکان با گماشتن هیئت ناظری تصرفات او را محدود کرد و مانع از مصرف آن ملک وقف‌شده در مصارف شخصی فرد غاصب و محروم‌ماندن صاحبان حقیقی آن ملک شد. او ناتوانی بر رفع اغتصاب به صورت کامل و رهاکردن ملک وقف‌شده از دست غاصب را دلیل بر عدم لزوم محدود کردن تصرفات غاصب نمی‌داند و تصریح می‌کند که تبدیل سلطنت از استبدادی به مشروطه به معنای برطرف کردن یک ظلم و جایگزین کردن ظلمی خفیف‌تر نیست؛ بلکه به معنای محدود کردن ظلم و تبدیل سه غصب به یک غصب است (نابینی، بی‌تا، صص. ۴۶ - ۴۷).

او نظارت فقیهان بر حکومت را همچون تصرفات متولی ملک وقف‌شده در آن، به صورت کامل جایز می‌داند و نظارت غیرفقاها را نیز همچون مداخله فردی غیر از متولی شرعی برای محافظت از ملک وقف‌شده می‌داند که با صدور اذن از جانب متولی شرعی، نظارت او نیز مشروع و جایز خواهد شد. اما تصرفات مطلق فرد غاصب به هیچ وجه حتی با صدور اذن نیز قابلیت مشروعیت یافتن ندارد و صدور اذن برای آن هرگز جایز نیست (نابینی، بی‌تا، صص. ۴۷ - ۴۸).

از منظر میرزای نابینی، در زمان غیبت که قانون اساسی و هیئت ناظران می‌تواند جایگزین ملکه عصمت و تحقق بخش سایه و صورتی مجازی از حکومت ولایتیه باشد و اشمال هیئت ناظران بر فقیهان شیعه عامل مشروعیت بخش به این حکومت است، محدود کردن قدرت سلطان و ممانعت از تبدیل ولایت او به مالکیت، تنها در صورتی ممکن است که همه متصدیان امور کشور تحت نظارت هیئت مبعوثان باشند و این هیئت

نیز خود تحت نظارت آحاد ملت باشند (نایینی، بی تا، ص. ۱۵)؛ پس می توان گفت که مطابق نظر او در مرحله شکل گیری حکومت، نقش مردم نقشی نظارتی است که پس از مشروعیت یافتن حکومت مشروطه و جایز شمرده شدن نظارت منتخبان مردم با اذن فقها که همچون متولیان یک موقوفه هستند، به نظارت بر اعمال منتخبان می پردازد و خواست و نظر آنان تأثیر مستقلی در جعل مشروعیت برای حکومت ندارد.

۴. مقبولیت مردمی و تداوم مشروعیت حکومت

میرزای نایینی تأثیر مستقلی برای مقبولیت مردمی در مشروعیت یافتن حکومت قائل نیست و مشروعیت حکومت را به انتصاب الهی در زمان حضور معصومان علیهم السلام و اشتغال مجلس شورا بر فقها در زمان غیبت وابسته می داند. او مجلس شورای ملی را که متشکل از منتخبان مردم است، در کنار قانون اساسی جایگزینی بیرونی برای قوه عصمت می داند و معتقد است در این زمان که حق حاکمیت توسط فرد غیر معصوم به غصب در آمده است و رفع غصب نیز ممکن نیست، از باب دفع افسد به فاسد نظارت بیرونی عامه مردم می تواند جایگزین عصمت و عدالت شود و برقراری مشروطه و محدود کردن قدرت سلطان بر فقها و مردم واجب است (رمضان نرگسی، ۱۳۸۹، صص. ۲۶۳ - ۲۶۴). واجب دانستن محدود کردن حکومت برای مردم به معنای تأثیر نقش تکمیلی آنان در کاهش غصب حکومت است و معنای تأثیر خواست و نظر آنان در جعل مشروعیت برای حکومت را به همراه ندارد.

اما در زمینه تداوم حکومت، برای مقبولیت مردمی تأثیر مستقلی در امتداد مشروعیت حکومت قائل است؛ زیرا رضایت نداشتن آنان که شامل حق نظارت بر حکومت و انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی می باشد، می تواند باعث کاهش کارآمدی حکومت شود و معنای ظالمانه بودن حکومت و سقوط مشروعیت حکومت از آن استنباط گردد. در اندیشه میرزای نایینی، پرداختن به حقوق و نقش مردم در تداوم حکومت در قالب مفاهیمی همچون شورا و حق نظارت نشانگر تأثیر مقبولیت مردمی در تداوم مشروعیت حکومت است.

۱-۴. شورا

میرزای نایینی بحث درباره اثبات شرعی بودن تشکیل مجلس شورا را با استناد به آیه «وَأَقْرَهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) و سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام آغاز می‌کند. او دلالت این آیه بر مشورت با عموم ملت را واضح می‌داند و استدلال می‌کند که «بالضرورة معلوم است مرجع ضمیر، جمیع نوع ملت و قاطبه مهاجرین و انصار است، نه اشخاص خاصه». او همچنین منظور از واژه «الأمر» را همه امور سیاسی عنوان می‌کند و امور شرعی را از طریق خروج تخصصی از دایره اموری که صلاحیت مشورت دارند، خارج می‌داند (نایینی، بی‌تا، ص. ۵۳). اصطلاح اصولی «تخصص» به معنای خارج بودن حقیقی و وجدانی موردی، از موضوع دلیل است (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۴)؛ بر این اساس دلیل عدم لزوم مشورت با عموم مردم در امور شرعی این است که امور شرعی از اساس در دایره موضوع حکم لزوم مشورت قرار ندارند و حکم مشورت شامل این امور نمی‌شود.

میرزا نایینی مجلس شورا را عمومی دانسته، آن را مسیری برای مشارکت مردم عنوان می‌کند. او اساس حکومت ولایتیه را «نظر به مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت بر مشورت با عقلای امت که عبارت از همین شورای عمومی ملی است» می‌داند و تأکید می‌کند که شورای خواص که «شورای درباری» خوانده می‌شود، برای عمل مطابق دستور این آیه کافی نیست. او با استناد به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اثبات حق مشورت برای مردم در امور سیاسی می‌پردازد و این اصل را شیوه حاکمیت اسلامی می‌داند و تصریح می‌کند که لازم است حتی اگر حاکم فردی غاصب هم باشد، به اندازه توان شیوه‌ها و روش‌های حاکمیت اسلامی را حفظ کنیم (نایینی، بی‌تا، صص. ۵۲ - ۵۵).

میرزای نایینی که مشورت کردن با مردم در امور سیاسی و اجتماعی را از اصول مسلم اسلامی می‌داند، مخالفت برخی علما با مجلس شورا را حاصل بی‌خبری آنان از اصول اسلامی دانسته، از این امر ابراز تأسف می‌کند. به باور او، اصل قدرت در حکومت ولایتیه بر پایه مشورت است و در اموری که نصی از جانب شرع برای آنان

صادر نشده است، مشارکت عمومی از طریق مشورت با عقلای امت که منتخبان مردم هستند، حاصل می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۹).

تلاش برای اثبات مشروعیت عمل کردن بر اساس نظر اکثریت مردم توسط میرزای نایینی نیز می‌تواند نشانگر تأثیر مقبولیت مردمی در تداوم حکومت و ارزش نظر آنان در امور سیاسی باشد. میرزای نایینی در پاسخ کسانی که عمل بر اساس نظر اکثریت را بدعت می‌دانستند، لازمه شورا را اخذ به ترجیحات هنگام تعارض می‌داند و عمل کردن بر اساس نظر اکثریت را یکی از قوی‌ترین مرجحات می‌داند. وی در ادامه به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد می‌کند و عملکرد امام علی علیه السلام در ماجرای حکمیت و پذیرش نظر اکثریت توسط ایشان را شاهی بر مشروعیت اخذ نظر اکثریت می‌داند (نایینی، بی‌تا، صص. ۸۰-۸۳).

میرزای نایینی در پاسخ کسانی که انتخاب نمایندگان و برپایی مجلس را دخالت در حکومت می‌دانستند و این امر را به دلیل اختصاص حکومت به معصومان علیهم السلام به منزله مشارکت در غضب مقام آن بزرگواران و در نتیجه غیرمجاز می‌دانستند، تصریح می‌کند که اکنون زمان حکومت معصومان نیست و نمایندگان ملت با هدف محدود کردن ظلم سلطان غاصب انتخاب شده‌اند و دخالت مردم در حکومت به دلیل مبتنی بودن اصل حاکمیت اسلامی بر مشورت و به دلیل پرداخت مالیات توسط مردم مشروعیت دارد (رفیع و عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۴، ص. ۹۴).

میرزای نایینی برخورداری نمایندگان مجلس شورا از شرایطی کاندید آگاهی به حقوق بین الملل، عالم و عاقل بودن، خیرخواهی برای ملت و... را لازم می‌داند و مشروعیت دخالت آنان در امر حکومت و نظارت بر سلطان را متوقف بر صدور اذن از جانب فقها برای آنان می‌داند (نایینی، بی‌تا، صص. ۱۳-۱۵؛ حسین خراسانی، ۱۴۰۰، ص. ۸۵). در حقیقت می‌توان گفت که او وجود چنین صفاتی در نمایندگان مجلس را شرط صدور اذن از جانب فقها برای آنان می‌داند.

او همچنین حافظ حکومت ولایتیه و مانع تبدیل شدن این حکومت به حاکمیت تملیکیه را نظارت مجلس شورا بر مسئولان حکومتی و نظارت آحاد ملت بر مجلس

شورا عنوان می‌کند و اختلال در هر یک از این مراحل نظارتی را باعث نابودی حکومت ولایتیه و تبدیل ولایت به مالکیت می‌داند (نایینی، بی‌تا، ص. ۱۵).

ضرورت نظارت مردم بر مجلس شورا و حق اعتراض بر عملکرد آنان، می‌تواند نشان این مطلب باشد که نارضایتی اکثریت مردم از مجلس شورا که منتخبان ملت هستند و مسیر مشارکت و مشورت دادن آنان در امور سیاسی را فراهم می‌کنند، بدین معناست که نمایندگان مجلس شورا شرایط لازم برای دریافت اذن از فقها را از دست داده‌اند؛ پس در نتیجه اذن صادر شده برای آنان سقوط کرده و مشروعیت دخالت آنان در امور سیاسی از میان خواهد رفت؛ بر این اساس می‌توان گفت که مقبولیت مردمی و رضایت ملت در تداوم مشروعیت حکومت مشروطه مؤثر است و در صورت نبود مقبولیت مردمی برای مجلس شورا، اذن فقها که تنها عامل مشروعیت‌بخش به این مجلس است، باطل می‌شود و حکومت فاقد مشروعیت می‌گردد.

۲-۴. حق نظارت

میرزای نایینی حق نظارت مردم بر عملکرد مجلس و دخالت در امور سیاسی کشور را از طریق وجوب امر به معروف و نهی از منکر اثبات می‌کند؛ همچنین او تصریح می‌کند که ابتدای اساس حاکمیت اسلامی بر اصل مشورت و پرداخت مالیات توسط مردم، برای ملت حق نظارت ایجاد می‌کند و نظام مشروطه تنها با حضور مردم محقق خواهد بود و مردم می‌توانند نمایندگان خود را انتخاب کرده، از طریق آنان از استبداد حاکم جلوگیری کنند و به مشارکت در امور سیاسی بپردازند (رحمانیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۴).

نایینی محدود کردن قدرت و سلطه سلطان غاصب را از باب نهی از منکر واجب می‌داند و تصریح می‌کند: «در باب نهی از منکر بالضروره معلوم است که چنانچه شخص واحد فرضاً در آن واحد منکرات عدیده را مرتکب شود، ردع [و باز داشتن او] از هر یک از آنها تکلیفی است مستقل و غیر مرتبط به تمکن از ردع و منع از سایر آنچه مرتکب [می‌شود]» (نایینی، بی‌تا، ص. ۴۶)؛ پس می‌توان گفت ممکن نبودن برکناری سلطان غاصب به معنای سقوط وجوب محدود کردن قدرت او نیست؛ همچنین نهی از منکر،

اصلی است که بر تمام مسلمانان واجب است؛ پس محدود کردن ظلم سلطان غاصب نیز از باب نهی از منکر بر همه واجب است.

وی در پاسخ به کسانی که دخالت مردم در امور سیاسی و نظارت آنان بر حکومت را دخالت در امور حسبیه که تدبیر آن بر عهده فقهاست، تلقی می‌کردند و در نتیجه آن را غیر جایز می‌دانستند، تصریح می‌کند که اختصاص وظایف حسبیه بر فقها انکارناپذیر است؛ اما «نظر به شورویه بودن اصل سلطنت اسلامیه...، عموم ملت از این جهت و از جهت مالیاتی که برای اقامه مصالح لازمه می‌دهند، حق مراقبت و نظارت دارند و از باب منع از تجاوزات [که] در باب نهی از منکر مندرج [است] و به هر وسیله که ممکن شود واجب است [نیز حق نظارت آنان ثابت می‌شود]». او امکان برپایی این هیئت نظارت را متوقف بر انتخاب ملت می‌داند و تصریح می‌کند که آنچه موجب انتخاب این روش برای تحدید سلطنت شده است، عدم امکان محدود کردن صحیح قدرت سلطان در شرایط فعلی است (نایینی، بی‌تا، صص. ۷۸ - ۷۹).

میرزای نایینی تدبیر امور حسبیه را از وظایف فقها می‌داند؛ اما تصریح می‌کند که نظام مشروطه بدون دخالت و اظهار نظر مردم در امور سیاسی محقق نمی‌شود؛ از این رو در جهت مشروعیت بخشی به نظارت و دخالت مردم می‌کوشد. مبتنی بر مشورت بودن نظام حکومتی اسلام و اختصاص نداشتن حق مشورت به گروهی خاص، یکی از دلایل میرزای نایینی در اینجا حق نظارت برای مردم است؛ همچنین وی معتقد است که پرداخت مالیات توسط مردم که منبع مالی انجام امور سیاسی است، برای ملت حق دخالت در امور سیاسی ایجاد می‌کند. از سویی دیگر به دلیل وجوب نهی از منکر بر همه مسلمانان، حتی در مواردی دخالت در امور سیاسی برای مردم وجوب پیدا می‌کند (رحمانیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۲).

میرزای نایینی حفظ حکومت ولایتیه را در گرو نظارت مجلس شورا بر مسئولان اجرایی و نظارت مردم بر مجلس شورا می‌داند (نایینی، بی‌تا، ص. ۱۵) و مشروعیت حق نظارت برای مردم را از طریق لزوم مشورت در تصمیم‌های سیاسی و وجوب نهی از منکر اثبات می‌کند (رحمانیان، ۱۳۸۸، صص. ۷۸ - ۷۹).

ضرورت و مشروعیت نظارت مردم بر حکومت می‌تواند نشانگر تأثیر مقبولیت مردمی در تداوم مشروعیت حکومت باشد؛ زیرا مشروعیت مجلس شورا به اذن فقیهان بر نظارت نمایندگان ملت بر امور حکومت وابسته است و صدور اذن نیز بر وجود شرایطی در نمایندگان این مجلس منوط است که با توجه به ضرورت و مشروعیت نظارت مردم بر مجلس شورا، برخورداری این نمایندگان از آن شرایط باید از سوی مردم رصد شود و نارضایتی مردم از نمایندگان می‌تواند به معنای نداشتن آن شرایط و در نتیجه ابطال اذن آنان و سقوط مشروعیت دخالت آنان در امور سیاسی باشد.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر به بررسی حاکمیت مشروع از منظر میرزای نایینی و تأثیر مقبولیت مردمی بر جعل و تداوم مشروعیت حکومت پرداخته است. فرضیه این بود که رضایت مردم در تشکیل حکومت، نقش مشروعیت‌بخشی ندارد؛ اما همین که حکومت تشکیل شد، تداوم آن به رضایت مردم نیاز دارد؛ چون حکومت ناکارآمد، موجبات ظلم بیشتر بر مردم را فراهم می‌کند. دلیل نایینی بر این امر امانت‌بودن حکومت در دست حاکم است که آن را به تفصیل توضیح می‌دهد.

از نظر میرزای نایینی، حاکمیت امانتی در دستان حاکم است؛ اما تنها خداوند می‌تواند فرد شایسته برای دریافت این امانت را تعیین کند؛ پس تعیین حاکم با خداوند است و حاکمیت مشروع نیازمند انتصاب الهی است؛ بر این اساس او جعل مشروعیت برای حکومت را به نصب الهی وابسته می‌داند و در خصوص تصرفات فقیهان در امور سیاسی در زمان غیبت نیز انتصاب عام را جاری می‌داند؛ زیرا دخالت در امور حسیه را از وظایف آنان بر می‌شمارد؛ بنابراین نایینی با طرح مفهوم امانت‌دانستن حکومت، امکان شورایی بودن نظام اسلامی را فراهم می‌کند و از این منظر نقش نظارتی مردم در حکومت و مقبولیت مردمی آن مطرح می‌شود. وی مشارکت تمام ملت در نوعیات مملکت (امور سیاسی) را بر مشورت با عقلای امت، یعنی شورای عمومی ملی مبتنی می‌کند و این خود برجسته‌سازی نقش ملت در حکومت و مقبولیت حکومت است.

وی صدور اذن از سوی فقیهان برای منتخبان مردم را به منظور دخالت در امور سیاسی، عامل مشروعیت بخش به تصرفات آنان در امور سیاسی می‌داند و می‌توان گفت صدور اذن برای آنان، بر دارا بودن آنان از شرایطی همچون آگاهی به اوضاع بین الملل و خیرخواهی برای ملت متوقف است.

میرزای نایینی حق نظارت و دخالت در امور سیاسی برای مردم را از طریق ابتدای نظام امور سیاسی بر شورا در اندیشه اسلامی و وجود نهی از منکر اثبات می‌کند. با توجه به مشروعیت و ضرورت نظارت مردم بر عملکرد مجلس شورا، می‌توان مقبولیت مردمی را در تداوم مشروعیت حکومت مؤثر دانست.



فهرست منابع

قرآن کریم.

- آجدانی، ل. (۱۳۹۱). اندیشه‌های سیاسی در عصر مشروطیت. تهران: نشر علم.
- امینی، ن. (۱۴۰۰). مفهوم و مبانی مشروعیت سیاسی در اسلام. افق‌های نو در فقه سیاسی، شماره ۹، صص. ۱۴۱-۱۷۵.
- ترکمان، م. (۱۳۶۲). رسایل، اعلامیه‌ها، مکتوبات ... و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری. (ج. ۱). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حسین خراسانی، ف. (۱۴۰۰). دین علما و روشنفکران در عصر مشروطه. قم: خادم الرضا.
- حسینی دشتی، س. م. (۱۳۸۵). معارف و معاریف دائرةالمعارف جامع اسلامی. (ج. ۲). تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- رحمانیان، م. (۱۳۸۸). مشروعیت سیاسی در اندیشه سیاسی شیعه در دوره قاجاریه از میرزای قمی تا میرزای نائینی. م. و. مدرس و س. م. موسوی بجنوردی. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم.
- رفیع، ح.؛ عباس‌زاده مرزبالی، م. (۱۳۹۴). علامه میرزا محمدحسین نائینی و دفاع از حکومت مشروطه. مطالعات سیاسی، شماره ۲۹، صص. ۷۵-۱۰۰.
- رمضان‌نرگسی، ر. (۱۳۸۹). تبیین جامعه‌شناختی انقلاب مشروطه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سखाوتی، ن. (۱۳۸۱). نگاهی به مفهوم مقبولیت در نظام سیاسی اسلام. معرفت، شماره ۵۵، صص. ۴۷-۵۵.
- فاضلی، م. ح. (۱۳۹۰). جایگاه مردم در نظام سیاسی - دینی از منظر آیت‌الله نائینی و شهید صدر. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- قاضی طباطبایی، ح. (۱۳۴۷). ارشادنامه میرزای قمی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۸۷، صص. ۳۶۵-۳۸۳.

کاشف الغطاء، ج. (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

مظفر، م؛ کاظمی خلخالی، ز (۱۳۸۰). ویژگی های فکری شیعه ترجمه عقاید الامامیه، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.

ملکی اصفهانی، م. (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات اصول. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

میرزای قمی، ا. (۱۴۲۷ق). رسائل المیرزای القمی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

نایینی، م. ح. (۱۴۲۴ق). تنبیه الامه و تنزیه المله. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

نایینی، م. ح. (بی تا). تنبیه الامه و تنزیه المله یا حکومت از نظر اسلام. تهران: شرکت سهامی انتشار.

نراقی، م. (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

نوروزی خیابانی، م. (۱۳۸۴). فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی: انگلیسی-فارسی. تهران: نشر نی.

ورعی، س. ج. (۱۳۸۲). پژوهشی در اندیشه سیاسی نایینی. قم: دبیرخانه مرکز خبرگان رهبری مرکز تحقیقات علمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

* Holy Quran

- Ajdani, L. (2012). *Political thoughts in the constitutional era*. Tehran: Elmi. [In Persian]
- Amini, N. (2021). The concept and foundations of political legitimacy in Islam. *New Horizons in Political Jurisprudence*, 9, 141-175. [In Persian]
- Fazeli, M. H. (2011). *The place of the people in the political-religious system from the perspective of Ayatollah Naeini and Martyr Sadr*. Qom: Al-Mustafa International Publishing and Translation Center. [In Persian]
- Hosseini Khorasani, F. (2021). *Religion of scholars and intellectuals in the constitutional era*. Qom: Khadem al-Reza. [In Persian]
- Hosseini Dashti, S.M. (2006). *Encyclopedic knowledge of Islamic teachings* (Vol. 2). Tehran: Araye Cultural Institute. [In Persian]
- Kashif al-Ghita, J. (2001 A.H.). *Kashf al-Ghita' 'an Mubhamat al-Shari'a al-Ghara*. Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary. [In Arabic]
- Maleki Esfahani, M. (2014). *Dictionary of jurisprudential terminology*. Qom: Al-Mustafa International Publishing and Translation Center. [In Persian]
- Mirza Qomi, A. (2006 A.H.). *Rasail al-Mirza al-Qomi*. Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- Mozafar, M., & Kazemi Khalkhali, Z. (2001). *Shiite intellectual characteristics: Translation of Aqa'id al-Imamiyya*. Qom: Hozoor Cultural and Publishing Institute. [In Persian]
- Naeini, M. H. (2003 A.H.). *Tanbih al-Umma wa Tanzih al-Milla*. Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary. [In Arabic]
- Naeini, M. H. (n.d.). *Tanbih al-Umma wa Tanzih al-Milla or Government from the Perspective of Islam*. Tehran: Publishing Company. [In Arabic]
- Naraq, M. (1996 A.H.). *Awa'id al-Ayyam fi Bayan Qawa'id al-Ahkam wa Muhimmat Masa'il al-Halal wa al-Haram*. Qom: Islamic Propagation Office of the Seminary. [In Arabic]

- Norouzi Khiabani, M. (2005). *Comprehensive Dictionary of Political Terms: English-Persian*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Qazi Tabatabaei, H. (1968). Mirza Qomi's Guidance Letter. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tabriz*, 87, 365-383. [In Persian]
- Rafi, H., & Abbaszadeh Marzabali, M. (2015). Allameh Mirza Mohammad Hossein Naeini and defense of constitutional government. *Political Studies*, 29, 75-100. [In Persian]
- Rahmanian, M. (2009). *Political legitimacy in Shiite political thought during the Qajar period from Mirza Qomi to Mirza Naeini*, M.V. Modarres & S.M. Mousavi Bojnourdi. Tehran: Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Moallem University. [In Persian]
- Ramezan Nargesi, R. (2010). *Sociological explanation of the Constitutional Revolution*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Sakhavati, N. (2002). A look at the concept of acceptability in the Islamic political system. *Marefat*, 55, 47-55. [In Persian]
- Torkaman, M. (1983). *The writings, proclamations, documents... and newspaper of Sheikh Fazlollah Nouri* (Vol. 1). Tehran: Rasa Cultural Services Institute. [In Persian]
- Vara'i, S. J. (2003). *A study on Naeini's political thought*. Qom: Secretariat of the Assembly of Experts, Center for Scientific Research. [In Arabic]